

فرهنگ‌یگان



حانیه قاسمیان

خبرنگار گروه جهان‌شهر

بیروت ایستاده‌است

قرار بود که زندگی در لبنان آنقدر سخت شود که مردم جنوب، همان‌ها که سال‌ها رژیم صهیونیستی را خفت دادند و زمین‌شان را از صهیونیست‌ها خالی کردند، همان‌ها که سال ۲۰۰۶ در جنگ ۳۳ روزه ایستادند و مقاومت کردند، حزب الله راوادار کنند سلاح‌ها را زمین بگذارذ. حزب الله و مردم جنوب در همه سال‌های منتهی به امروز که جنگ با رژیم صهیونیستی تقریباً رسماً آغاز شده، علیه حمله‌ای که زندگی را برایشان گران و سخت و طاقت فرسا کرده بود، مقاومت کرده‌اند. در طی این سال‌های فشار حداکثری به مقاومت مردمی، هیچ صدای رسایی مبنی بر خلع سلاح حزب‌الله از مردم جنوب لبنان شنیده‌نشد. مردم جنوب و حتی عقلمای دیگر طوایف لبنان می‌دانستند که اگر حزب‌الله سلاح زمین بگذارد، اذ‌های رژیم از بلعیدن کل لبنان ابایی ندارد. «جامعه جهانی» هم در کمال خونسردی ابراز نگرانی کرده و رسیدن تانک‌های صهیونیستی به بیروت را تماشاً می‌کند. جنگ برای مردم لبنان چند سال است که آغاز شده، از همان روزی که سید حسن نصرالله در پاسخ به تهدیدات رژیم صهیونیستی در قضیه میدان نفتی کاریش گفت: «برای مردم ما شرافتمندانه‌تر آن است که در میدان جنگ شهید شوئند تا اینکه در صف‌های نان تلف شوئند.»

== حمله اسرائیل به زندگی روزمره

«لبنان شبیه هیچ جای دیگر نیست»، این رایک دانشجوی لبنانی به من گفت، چند ماه قبل از اینکه پام به لبنان باز شود. بعدها فهمیدم که درست‌ترین گزاره دربارهٔ لبنان همان جمله است که بار اول از دهان آن دانشجوی جوان شنیدم. تصویر بیروت غرق در نور و سرخوشی در اولین مواجهه‌ام با این شهر، وقتی که اتوبان‌های در ظلمات فروفته منتهی به فرودگاه را دیدم و فهمیدم دولت ورشکسته لبنان سال‌هاست از تانمین برق کشور عاجز است، به لطف تحریم‌های عربی – غربی و احزاب وابسته در عربستان سعودی، امارات و غرب، در سال‌های پس از انفجار بندر بیروت و کرونا، تنمه تانمین اجتماعی و امکانات عمومی لبنان هم خصوصی شد و مردم لبنان مانندند با آب آشامیدنی، برق و گازی که باید به قیمت دلار پهاش را پرداخت می‌شدند؛ نان که روزبه روز گران‌تر می‌شد؛ دلار که روزانه قیمتش بالامی‌رفت ولیره لبنانی را از حیثیت و آبرومی انداخت. لبنان در سه‌ال‌های اخیر بالاترین تورم غذا در جهان را به خود دید. این کشور تورم ۱۷۱ درصدی را در سال ۲۰۲۲ میلادی چشمید (به گزارش بانک جهانی)، بانک‌های سئوئیس خارورمیان به لطف شیوخ عرب، یکی پس از دیگری ورشکسته می‌شدند و اندک پول مردم را با ربوبه می‌کردند. همان موقع بود که بانک جهانی اعلام کرد که هشتاد درصد مردم لبنان زیر خط فقر به سر می‌برند و طبقه متوسط عملا در این کشور از بین رفته است.

== سرزمین طائفه‌ها

چشم‌انداز پیچیده اجتماعی – سیاسی لبنان تحت تاثیر نظام تاریخی فرقه‌ها و قبایل شکل گرفته است که در طول قرن‌ها توازن ظرفی از همزیستی رابین جوامع متنوع خود فراهم کرده است. این کشور خانه گروه‌های مذهبی و قومی متعددی از جمله مسیحیان مارونی، مسلمانان سنی، مسلمانان

شیعه و دروزی‌ها و دیگر گروه‌هاست. این بافت چندفرقه‌ای به‌طور سنتی اجازه می‌دهد تا درجه‌ای از هماهنگی وجود داشته باشد؛ اما تاثیر مداخالت استعماری و درگیری‌های ژئوپلیتیکی در منطقه بذرها ی اختلاف و تفرقه رابین این گروه‌ها پراکنده کرده است.

در سال‌های اخیر، به‌ویژه در طول جنگ داخلی سوریه، ظهور داعش در شمال لبنان و تحریم‌های اقتصادی که علیه لبنان اعمال شده، شکاف‌های فرقه‌ای را تشدید کرد. تحریم‌های اقتصادی که به دلیل خلع سلاح و تسلیم کردن مقاومت مردمی حزب‌الله اعمال شد، روابط بین فرقه‌های مختلف را تحت فشار قرار داد و تنش‌های اجتماعی را تشدید کرد.

با این حال، اخیراً حملات نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان با باعث ایجاد تغییر شگفت‌انگیزی در احساسات عمومی شده و منجر به بازسازی اعتماد میان جوامع مختلف و حزب‌الله شده است. در شهرهایی مانند طرابلس و صیدا، که به‌طور تاریخی تحت تسلط گروه‌های جمعیت سنی و احزاب اخوانی – سلفی بوده است، افزایش قابل توجهی در حمایت از حزب‌الله مشاهده شده که نشان‌دهنده ترویم شکاف‌های اجتماعی و طائفه‌ای در لبنان است و نشان می‌دهد که شهروندان دفاع از کشور را بر وابستگی‌های فرقه‌ای ترجیح می‌دهند.

یکی از نمونه‌های بارز این احساس تجدید شده وحدت، در پی انفجار پیجرهای اعضای حزب‌الله اتفاق افتاد که منجر به تلفات قابل توجهی در میان اعضای حزب‌الله شد. در یک نمایش بی‌سابقه از همبستگی، افراد از فرقه‌های مختلف، از جمله جوامع سنی و مسیحی، در اهدای خون برای حمایت از مجروحین شرکت کردند. این عمل فراتر از مرزهای فرقه‌ای رفته و تعهد جمعی به ایستادن در کنار یکدیگر در زمان بحران را نشان داد.

== جنگ، ترمیم گسل‌های اجتماعی

حملات خونین در روز گذشته رژیم صهیونیستی موجی از همدردی و همبستگی عمومی و حمایت از صدها قربانی را به دنبال داشت. کمپین‌های انتقال خون و پزشکان داوطلب به تلاش‌های امداد و درمان پیوستند. مقامات رسمی دولت لبنان و جناح‌های سیاسی که با حزب‌الله در تنش بودند، مانند جریان ملی آزاد و حزب سوسیالیست ویلید جنبیلاط نیز به حمایت از این گروه پرداختند. موضع آنها، حتی اگر نمایان باشد، موج شک و ترس می‌را که مخالفان سنتی حکومت‌الله برانگیختند، کاهش داد.

به گزارش روزنامه النهار چاپ بیروت، ساکنان جنوب لبنان که به دلیل افزایش درگیری‌ها مجبور به کوچ اجباری از جنوب شده‌اند، به شهرهای شمالی نقل مکان می‌کنند و از سوری جوامع سنی و مسیحی به گرمی پذیرفته می‌شوند. به گواهی خبرنگار الاخبار چاپ بیروت با وجود افزایش قیمت نسبی در ارقام ضروری، در ضاحیه جنوبی بیروت، مالکان سوپرمارکت‌ها هیچ نشانه‌ای از هجوم وحشت‌زده مصرف‌کنندگان برای ذخیره‌سازی و خرید کالاها مشاهده نکرده‌اند. این واکنش نشان‌دهنده تاب‌آوری جامعه لبنانی است که علی‌رغم تحمل سختی‌های شدید ناشی از جنگ‌ها و تحریم‌های اقتصادی گذشته، همچنان ظرفیت چشمگیری برای بازسازی و بهبودی از خود نشان می‌دهد. جامعه لبنان به‌ویژه مردم جنوب لبنان، به علت همسایگی با رژیم صهیونیستی تجربه جنگ‌های گسترده و درگیری‌های مستقیم کنترل‌شده مکرر با رژیم صهیونیستی را دارد و در طی سال‌ها، خصومت رژیم صهیونیستی را در زندگی روزمره خود زیست کرده است. به همین دلیل این کشور، علی‌رغم تحریم‌های اقتصادی که بنیه کشور را قدری فرسوده کرده است، جامعه‌ای تاب‌آور در برابر جنگ است. در حالی که ساختار فرقه‌ای لبنان اغلب موجب فعال شدن نقض‌های اجتماعی شده، اما درگیری‌ها و بحران‌های اخیر به‌طور پارادوکسیکالی حس جدیدی از وحدت حول مقاومت حزب‌الله را در میان گروه‌های مختلف لبنان پرورانه است.

صهیونیست‌ها درصدد تعیین تکلیف شمال و تضعیف مقاومتند تا زمینه حمله به لبنان و سوریه در ماه‌های آتی را فراهم کنند

سناریوهای جنگ لبنان



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

زدو خوردها میان لبنان و رژیم صهیونیستی پس از انفجار پیجرها در روز سه‌شنبه هفته‌گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. هرچند طرفین به صورت رسمی ورود به جنگ را نمی‌پذیرند اما برخی ناظران نظامی معتقدند باید نام درگیری‌های کنونی را «جنگ سوم لبنان و رژیم صهیونیستی» دانست. برتلفات‌ترین روزهای این درگیری، سه‌شنبه هفته‌گذشته و دوشنبه هفته جاری بوده‌اند. در روز سه‌شنبه با شکست اهداف حداکثری رژیم که تصمیم داشت با انفجار پیجرها هزاران نفر را به قتل برساند، چهارهزار نفر زخمی شده و تنها چهارده نفر به شهادت رسیدند. با وجود شکست اهداف حداکثری رژیم اما تلفات برجای مانده نیز قابل ملاحظه بود، به‌گونه‌ای که پانصد نفر چشمان خود را به‌طور کامل از دست دادند. روز دوشنبه هفته جاری با وجود تعداد تلفات کلی کمتر، خونین‌تر بود. در این روز پانصد نفر شهید و ۱۶۵۰ نفر زخمی شدند.

روز گذشته نیز صهیونیست‌ها تا غروب سه موج حمله علیه لبنان انجام دادند تا مجموع شهدا به همراه تلفات روز دوشنبه به ۵۵۸ تن برسد. از این تعداد ۵۴ نفر کودک و ۹۴ نفر زن بودند. در مقابل حملات وحشیانه صهیونیست‌ها در این دو روز، مقاومت لبنان نیز بر دامنه اقدامات خود افزوده است. لبنانی‌ها روز گذشته برای اولین بار موشک‌های «فادی ۳» را به‌کار گرفتند. تنها در یک واقعه پس از تلاش صهیونیست‌ها برای ترور فرمانده موشکی مقاومت لبنان در ضاحیه بیروت، ۱۰۵ راکت به سمت شمال سرزمین‌های اشغالی پرتاب شد. تصاویر و فیلم‌های منتشرشده نشان می‌دهد ده‌ها اصابت موفق به پایگاه‌های نظامی رژیم صورت گرفته است. علی‌رغم ویرانی‌های گسترده، تل‌آوی تنها به زخمی شدن ۹ صهیونیست اعتراف کرده است. پایگاه شمسون مرکز تجهیز فرماندهی و واحد تجهیز منطقه‌ای، یکی از این پایگاه‌هاست که با راکت‌های سنگین فادی ۳ مورد حمله واقع شده است. مقاومت همچنین شهرک صهیونیستی «روش‌بینا» را در شهر صفد در شمال فلسطین اشغالی هدف قرار داد. مخازن موجود در پایگاه «نیمرا» دیگر هدف لبنان در اراضی شمال فلسطین اشغالی بود. این گروه طی دو روز اخیر فرودگاه نظامی «مگیدو» در غرب «العفوله» را سه بار و همچنین پایگاه «امات دیوید»، «عاموس» و کارخانه مواد منفجره را هدف قرار داده است. رشد کمی و کیفی پاسخ‌های مقاومت لبنان علیه صهیونیست‌ها در حوزه اهداف و تسلیحات به‌کار گرفته این واقعت را آشکار ساخته که لبنانی‌ها طعمه‌ای گلوگیر برای جبهه مقابلند. به‌نظر نمی‌رسد از آنجا که جنگ برای تل‌آویو تبدیل به جنگ برای بقا شده است، صهیونیست‌ها پس از تحمل ضربات لبنان دست از شرات بکشند، اما این اتفاق با وجود ضایعاتی که برای مقاومت دارد، می‌تواند عمق بحران برای رژیم را افزایش دهد.

== وضعیت نظامی

زد و خوردهای سنگین روزهای اخیر میان لبنان و رژیم صهیونیستی، میان یک گروه شبه‌نظامی و یک ارتش کلاسیک جریان دارد. در لبنان، گروه مقاومت این کشور متولی ارتش است و در مقابلش ارتش رژیم با شاخه‌های چندگانه و رایج نیروهای مسلح شامل هوایی، زمینی و دریایی صف‌آرایی کرده است.

با وجود آنکه نیروهای لبنانی، در قالب یک گروه شبه نظامی سازمان یافته‌اند اما تسلیحات و نحوه فرماندهی آنان پیچیده‌تر از دیگر گروه‌های شبه‌نظامی در جهان است. اغلب گروه‌های شبه‌نظامی جهان، تنها به سلاح‌های سبک یا نیمه سنگین مجهزند، اما مقاومت لبنان در حوزه راکتی و موشکی نه‌تنها به تسلیحات سنگین مجهز شده بلکه آنها را در تعداد بالا در خدمت دارد.

تعداد راکت و موشک‌های مقاومت لبنان تا ۱۵۰ هزار تیره تخمین زده می‌شود. در بین آنها هزاران راکت ارتقا یافته و صدها موشک بالستیک تاکتیکی یافت می‌شود. تجهیز یک گروه شبه‌نظامی به موشک‌های بالستیک تاکتیکی نقطه زن درحالی صورت گرفته که بسیاری از ارتش‌ها فاقد آنند. اوکراین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان سلاح و کشتوری ۴۳۳ میلیون جمعیت، چندین ماه پس از حمله روسیه موفق شد تعدادی موشک بالستیک نقطه زن از آمریکا دریافت کند؛ آن‌هم در شرایطی که برخی از اسبسیات تولید سلاح شوروی که از سازندگان موشک‌های

بالستیک بود، در این کشور باقی مانده است. مقایسه مقاومت لبنان با اوکراین نشان می‌دهد تجهیز این گروه به موشک‌های بالستیک تاکتیکی نقطه زن، تحولی بزرگ به‌شمار می‌رود.

به غیر از قوای راکتی و موشکی، مقاومت لبنان به مجموعه بزرگی از موشک‌های هدایت‌شونده ضدزره مجهز است. طی ۱۲ ماه جنگ، لبنانی‌ها نزدیک یک هزار موشک هدایت‌شونده به سمت فلسطین اشغالی پرتاب کرده‌اند که عددی خیره‌کننده به حساب می‌آید. تعدادی از ارتش‌های جهان کماکان فاقد حجم قابل توجهی از موشک‌های ضدزره‌اند چه برسد که بتوانند به راحتی نزدیک یک هزار تیره از آنان را مورد استفاده قرار دهند. بهترین سلاح لبنانی‌ها در این حوزه، موشک‌های سری الماس است که منابع رسانه‌ای ا‌دها کرده‌اند، ساخت ایرانند. این موشک‌ها تاب‌اتک بوده و با بالاتناک و دیگر اهداف خود را مورد هدف قرار می‌دهند. در جهان تنها سه کشور چنین موشک‌هایی تولید کرده‌اند که شامل سری موشک‌های اسپایک رژیم صهیونیستی، جاولین آمریکایی واج جی-۱۲ چینی می‌شود. لبنان به وفور از موشک الماس استفاده کرده که دولت‌های جهان در حسرت در اختیار داشتن آنند.

شاهکار مقاومت در لبنان اما ذخیره‌سازی پنهانی حجم بالایی از تسلیحات پیشرفته است. در یک جنگ سنگین، صهیونیست‌ها می‌توانند با بمباران شدید لبنان انبارهای سلاح این کشور را از بین ببرند اما مقاومت موفق شده به با کارگیری تمهیدات مختلف، مانع این کار شود. به نظر می‌رسد عامل موفقیت لبنانی‌ها، ایجاد تاسیسات گسترده زیرزمینی باشد. آن‌ها اواخر مرداد ماه فیلم و تصاویری از یک شهر موشکی زیرزمینی با نام عماد-۴ منتشر کردند که در دل کوه واقع شده بود. به دلیل عمق زیاد چنین شهرهایی، صهیونیست‌ها با وجود استفاده از بمب‌های قدرتمند سنگرشکن قادر به نفوذ در آنها نیستند.

در مقابل یکی از بزرگ‌ترین، مجهزترین، باالگیزه‌ترین و پرتجربه‌ترین گروه‌های شبه‌نظامی جهان، ارتش رژیم می‌ت این دندان مسلح قرار دارد.

صهیونیست‌ها دارای ۴۱۰ فرود جنگنده عملیاتی بسیار پیشرفته، صدها

تانک و ده‌ها سلاح اتمی‌اند.

تل‌آویو همچنین می‌تواند در ترکیب نظامیان رسمی و فراخوان نظامیان ذخیره به سرعت ۳۰۰ هزار تا نیم میلیون نفر را زیر پرچم گردآوری کند.

باشنه‌اشقیل این ارتش قدرتمند اما عمق اندک سرزمین‌های اشغالی است، این ضعف بزرگ باعث شده تا مقاومت لبنان بتواند ده‌ها با‌اتکا به راکت‌ها، گرفتاری بزرگی برای تل‌آویو ایجاد کند. اغلب حملات لبنانی‌ها علیه مواضع صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی با اتکا به راکت‌های گراد انجام شده که حد اکثر بردشان ۴۰ کیلومتر است.

لبنانی‌ها برای اقدام علیه موجودیت رژیم کار بسیار آسانی پیش‌رو دارند. تمام دار و ندار صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی در دو شهر تل‌آویو و حیفا متمرکز است. این دو شهر تمام داشته‌های جمعیتی و امکانات رژیم را در اختیار دارند. شهر بندری حیفا که مرکز فناوری رژیم و بزرگ‌ترین محل ورود و خروج کالا به سرزمین‌های اشغالی است تنها ۴۵ کیلومتر با مرزهای لبنان فاصله دارد. فاصله تل‌آویو تا لبنان نیز به ۱۱۰ کیلومتر می‌رسد. مقاومت برای حمله به این دو شهر می‌تواند بدون اتکا از موشک‌های بالستیک بهره گیرد، آنها را آماج حملات راکتی قرار دهد. راکت‌های سنگین در اختیار مقاومت لبنان بردی از ۴۵ تا ۲۰۰ کیلومتر دارند.

کلید برقراری موازنه میان لبنان و رژیم، دو نکته است که شاید مهم‌ترین آن عمق اندک فلسطین اشغالی باشد. اگر سرزمین‌های اشغالی عمق زیادی داشت، حتی با وجود ممتاز بودن مقاومت لبنان در میان گروه‌های شبه‌نظامی، برقراری موازنه میان این دو بی‌معنا بود. با این حال، ضعف عمق استراتژیک باعث شده رژیم می‌که خود را دارای پنجمین ارتش بزرگ جهان می‌داند، ضرباتی بزرگ از مقاومت دریافت کند. کلید دوم، محوره‌مقاومت و عملکرد خط پشتیبانی است. این خط پشتیبانی به انهای مختلف گروه مقاومت لبنان را با ارسال تسلیحات و تدارکات تقویت کرده و در معنای جدید پشتیبانی، از آن حمایت عملیاتی می‌کند.

در روزهای اخیر با تشدید حملات صهیونیست‌ها به لبنان، گروه‌های مقاومت عراقی هم قسم شده‌اند در صورت ادامه تهاجم، دست به پرتاب انبوه موشک و پهپادهای انتحاری زده و در صورت وقوع جنگ زمینی، قوای خود را به شامات منتقل کنند.

هرچند صهیونیست‌ها در غزه تخریب و کشتار بزرگی انجام دادند اما تکرار آن علیه لبنان امکان‌پذیر نیست. حتی اگر آمریکا و رژیم به صورت

هماهنگ تصمیم به حمله علیه لبنان بگیرند، کلیدهایی که نزدیک این گروه قرار دارد، مانع از سقوط لبنان خواهد شد. در طی چنین جنگی رژیم ویران و مواضع آمریکا در منطقه زیر آتش اضلاع محور مقاومت قرار خواهد گرفت.

== اهداف و سناریوها

غرب و رژیم، اهداف و سناریوهای مختلفی علیه لبنان طراحی کرده‌اند که در ادامه بررسی شده‌اند.

۱. تعیین تکلیف شمال

رهبران رژیم به شکل علنی در رسانه‌ها و همچنین در پیام‌های خود از طریق واسطه‌ها تاکید کرده‌اند هدف‌شان بازگرداندن ساکنان شمال به خانه‌است. براساس نقل‌های مختلف بین‌شصت تا دویست هزار شهرک‌نشین پس از آغاز حملات مقاومت لبنان از هشت اکثیر، منازل خود در شمال را ترک کرده‌اند. شهرک‌نشینان آواره معتقدند امکان وقوع حمله‌ای مشابه هفت اکثیر از سمت لبنان وجود دارد و تا ارتش نتواند منطقه حائل‌ی میان آنها و مقاومت ایجاد کند، به منازل خود باز نخواهند گشت. بر همین اساس تل‌آویو طی دوازده ماه گذشته تلاش کرده با اعمال فشار، مقاومت لبنان را مجبور به عقب‌نشینی تا پشت رودخانه لیطانی کند. این رودخانه بین ده تا سی کیلومتر با مرز فلسطین اشغالی فاصله دارد. صهیونیست‌ها در ابتدای جنگ خواهان برچیدن زیرساخت‌های مقاومت در آن بودند اما برخی اخبار نشان می‌دهد آنها امروزه خواستار تخلیه جمعیتی این منطقه شده‌اند. از این رو حملات صهیونیست‌ها بر نوار جنوبی متمرکز است و تهاجم‌ها علیه اهدافی در بیروت نیز به بهانه مسائل جنوب صورت گرفته است؛ ازجمله حمله به جلسه شورای فرماندهی یگان رضوان که وظیفه حمله به الجلیل در یک جنگ گسترده را برعهده دارد.

۲. جنگ محدود برای تضعیف مقاومت لبنان

صهیونیست‌ها سیاستی به نام «چمن‌زنی» دارند که بیشتر علیه مقاومت غزه اجرایی شده است. براساس این سیاست، تل‌آویو در مقاطع زمانی مختلف برای نابودی زیرساخت‌ها و امکاناتی که به مرور زمان ایجاد و انباشت شده، جنگی کوتاه را ایجاد می‌کند. با وجود اجرای مکرر آن علیه غزه، اما از زمان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ فرصت تکرار آن علیه لبنان به وجود نیامده بود. صهیونیست‌ها بر این گمانند که اگر طی جنگ طوفان الاقصی ضرباتی سنگین به لبنان وارد نکنند، احتمالاً تا سال‌ها چنین فرصتی به دست نخواهد آمد. از بین بردن بافت کشاورزی و مسکونی جنوب برای آواره کردن مردم متحد مقاومت، ترور رهبران و بمباران زیرساخت‌های تولید و ذخیره سلاح ازجمله اهداف صهیونیست‌ها در این راستاست.

۳. تسلط بر لبنان

تا پیش از حمله پیشدستانه هفت اکثیر، جمع‌بندی جبهه غربی – صهیونیستی تحرکات هماهنگ برای سرکوب مرحله‌ای مقاومت از فلسطین، لبنان تا عراق بود. با این حال حمله پیشدستانه هفت اکثیر و غرق شدن ناگهانی صهیونیست‌ها در غزه، ورق را تا حدی برگرداند. ضربات مختلف وارد شده به رژیم در طول جنگ برای صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها آشکار ساخته اجرایی کردن طرح سرکوب مرحله‌ای مقاومت آسان نیست. آنها این نکته را در روزهای اخیر نیز دریافت‌اند. پس از توطئه انفجار پیجرها در سه‌شنبه هفته گذشته و واقعه مشابه انفجار بی‌سیم‌ها در روز چهارشنبه که برای قتل پنج هزار نفر طراحی شده بود، مقاومت لبنان بر شدت حملات خود علیه مواضع رژیم در سرزمین‌های اشغالی افزود تا ظرفیت بالای خود را به رخ آنان بکشد. مقاومت و ظرفیت هضم بالای ضربات توسط لبنان، تردیدهایی جدی را درخصوص امکان سلطه بر این کشور به وجود آورده است.

== جمع‌بندی

به نظر می‌رسد رژیم و آمریکا درحال حاضر توانی برای یکسره کردن کار لبنان نداشته باشند اما تلاش خواهند کرد طی ماه‌های آینده چنین امکانی را برای خود فراهم کنند. در برهه کنونی، اهداف رژیم در «تعیین تکلیف شمال» و «جنگ محدود برای تضعیف» منحصر خواهد ماند. اگر جبهه غربی –صهیونیستی موفق به تأمین منافع خود در این دو هدف شود، قطعاً در ماه‌های آینده به سمت تأمین هدفش مبنی بر «تسلط بر لبنان» خواهد رفت؛ سناریویی که همزمان با لبنان، سوریه را نیز دربرگرفته و پس از آن سرکوب مقاومت عراق در دستور کار خواهد بود.

نتایج یک نظرسنجی می‌گوید ۸۰ درصد آمریکایی‌ها بر سر ارزش‌ها دچار دودستگی‌اند

دوقطبی آمریکایی

== انتخابات ۲۰۲۴ امنیت جهانی و اتحادهای اقتصادی را بازتعریف می‌کند؟

تقسیم‌بندی می‌کنند. تنها در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، پس از ۱۱ سپتامبر، گالوپ متوجه شد اکثر آمریکایی‌ها حس این موضوع را درک می‌کنند و بیش از دوسوم بزرگسالان آمریکایی معتقد بودند این کشور متحد است.

به نوشته گالوپ تردیدهای امروزی در مورد وحدت ملی احتمالاً از انتخابات مناقشه‌برانگیز ریاست جمهوری در سال‌های اخیر و همچنین کنترل دشتابوب حزبی بر کنگره که در حال حاضر دارای اکثریت محدود جمهوری خواهان در مجلس نمایندگان و اکثریت دموکرات در سناتس، به وجود آمده است. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل گالوپ در سال ۲۰۲۳ نشان داد شکاف‌های حزبی قابل توجهی در نظرات جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در مورد هریک از ۴۴ موضوع کلیدی وجود دارد و تقریباً تمام این شکاف‌ها در دو دهه گذشته گسترش یافته است. بیشترین افزایش اختلافات حزبی در مورد مسائل مربوط به قدرت دولت فدرال، محیط زیست، آموزش، سقط جنین، تجارت خارجی، مهاجرت، قوانین اسلحه، مراقبت‌های بهداشتی و مالیات رخ داده است. اکنون غرور ملی، اعتماد به دولت و نهادهای ایالات متحده به پایین‌ترین سطح خود رسیده است و آمریکایی‌ها وحدت ملی را کاملاً متفاوت می‌بینند. این تصورات از تفرقه بیشتر ایالات متحده در ۲۰ سال گذشته در هر دو دولت جمهوری خواه و دموکرات و اقتصادهای ملی حوالی و ضعیف رخ داده است.

با این حال آنچه بیش از هر چیز سرنوشت انتخابات را رقم خواهد زد، مساله اقتصاد است. با وجود نگرانی‌ها در مورد وضعیت اقتصاد و تورم، نتایج نظرسنجی موسسه پیو نشان می‌دهد از هر ده رای‌دهنده ثبت‌نام‌شده هشت نفر (۸۱ درصد) می‌گویند اقتصاد برای رای آنها در انتخابات ریاست جمهوری



فرهنگ‌یگان

پس از خروج آمریکا از افغانستان و درحالی‌که بسیاری از تحلیلگران از افول آمریکا در حوزه سیاست خارجی می‌گفتند، فرانسیس فوکویاما، فیلسوف آمریکایی در نشریه اکونومیست موضعی متفاوت گرفت و نوشت ریشه این ضعف و افول «بیشتر داخلی» است تا بین‌المللی. اکنون با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا، تحلیلگران با این پرسش مهم مواجه‌اند که چگونه انتخابات ۲۰۲۴ امنیت جهانی و اتحاد‌های اقتصادی را بازتعریف خواهد کرد؟ آنچه تحلیلگران را ناچار به تأمل در این باره کرده شانس پیروزی غول ترسناکی به نام دونالد ترامپ در انتخابات پیش‌روست. هرچند وی با شعار «اول آمریکا»، شخصیتی یکجانبه‌گرا تلقی می‌شود اما با منطق فوکویاما، ریشه این بازگشت به دوران رایید در بحران‌های داخلی ایالات متحده یافت؛ بحرانی که گالوپ در تازه‌ترین نظرسنجی‌اش درباره شکاف و دودستگی داخلی در آمریکا آن را به‌نمایش گذاشته است. براساس این نظرسنجی هشتاد درصد از بزرگسالان آمریکایی می‌گویند مردم این کشور بر سر مهم‌ترین ارزش‌ها دچار دودستگی بسیاری شده‌اند. در این نظرسنجی توضیحی درباره اینکه مهم‌ترین ارزش‌ها چیست، داده نشده اما در گزارش گالوپ گفته شده آخرین باری که این سوال در از سال ۲۰۱۶ پرسیده‌اند، ۷۷ درصد مردم آمریکا، به شدت یا فتنن دودستگی در جامعه باور داشته‌اند. این رقم در نظرسنجی سال ۲۰۱۲ میلادی، ۶۹ درصد بوده است.

نویسنده گزارش گالوپ نوشته بدبینی عمومی در مورد وحدت ملی چیز جدیدی نیست. نظرسنجی‌های گالوپ و دیگران – که به دهه ۱۹۹۰ برمی‌گردد – نشان می‌دهد آمریکایی‌ها معمولاً کشور را بر سر ارزش‌های کلیدی